

جزء اول

این جزء از آیه 1 سوره فاتحه آغاز و تا
آیه 141 سوره بقره ادامه دارد.

ahlolbait.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿۱﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش

همیشگی. (۱)

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۲﴾

همه ستایش‌ها، ویژه خدا، مالک و مربی جهانیان است. (۲)

الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (۳)

رحمتش بی اندازه و مهربانی اش همیشگی است. (۳)

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ ﴿٤﴾

مالک و فرمانروای روز پاداش و کیفر است. (۴)

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴿٥﴾

[پروردگارا!!] تنها تو را می پرستیم و تنها از تو کمک

می خواهیم. (۵)

اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿٦﴾

ما را به راهِ راست راهنمایی کن. (۶)

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا
الضَّالِّينَ ﴿٧﴾

راه کسانی [چون پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان که به خاطر
لیاقتشان] به آنان نعمت [ایمان، عمل شایسته و اخلاق حسنه] عطا
کردی، هم آنان که نه مورد خشم تواند و نه گمراه اند. (۷)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿۱﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی. (۱)

الم (۱)

ذٰلِكَ الْكِتٰبُ لَا رَيْبَ فِيْهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِيْنَ ﴿۲﴾

در [وحی بودن و حَقَانِیَّت] این کتاب [با عظمت] هیچ
شکی نیست؛ سراسرش برای پرهیزکاران هدایت است. (۲)

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ
يُنْفِقُونَ ﴿۳﴾

آنان که به غیب ایمان دارند و نماز را بر پا می‌دارند و از آنچه
به آنان روزی داده ایم، انفاق می‌کنند. (۳)

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ
وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿٤﴾

و آنان که به آنچه به سوی تو و به آنچه پیش از تو نازل شده،

مؤمن هستند و به آخرت یقین دارند. (۴)

أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ ۗ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥﴾

آنانند که از سوی پروردگارشان بر [راه] هدایت اند و آنانند

که رستگارند. (۵)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٦﴾

بی تردید برای کسانی که [به خدا و آیاتش] کافرند مساوی است چه [از عذاب] بیمشان دهی یا بیمشان ندهی، ایمان نمی آورند. (۶)

خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ^ط وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ
غِشَاوَةً^ط وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۷﴾

خدا [به کیفر کفرشان] بر دل‌ها و گوش‌هایشان مُهرِ [تیره بختی] نهاده، و بر چشم‌هایشان پرده ای [از تاریکی است که فروغ هدایت را نمی‌بینند]، و برای آنان عذابی بزرگ است. (۷)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ
بِمُؤْمِنِينَ ﴿۸﴾

و گروهی از مردم [که اهل نفاق اند] می گویند: ما به خدا و روز
قیامت ایمان آوردیم، در حالی که آنان مؤمن نیستند. (۸)

يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا
يَشْعُرُونَ ﴿٩﴾

[به گمان باطلشان] می خواهند خدا و اهل ایمان را فریب دهند،
در حالی که جز خودشان را فریب نمی دهند، ولی [این حقیقت
را] درک نمی کنند. (۹)

فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا ۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ﴿۱۰﴾

در دل آنان بیماری [سختی از نفاق] است، پس خدا به کیفرِ
نفاقشان بر بیماریشان افزود، و برای آنان در برابر آنچه همواره
دروغ می‌گفتند، عذابی دردناک است. (۱۰)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ
مُصْلِحُونَ ﴿۱۱﴾

چون به آنان گویند: در زمین فساد نکنید، می گویند: فقط ما

اصلاح گریم! (۱۱)

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٢﴾

آگاه باشید! یقیناً خود آنان فسادگرند، ولی درک نمی کنند. (۱۲)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ
السُّفَهَاءُ^ق أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ ﴿۱۳﴾

چون به آنان گویند: ایمان آورید چنان که دیگر مردم ایمان آوردند می گویند:
آیا ما هم مانند سبک مغزان ایمان آوریم؟! آگاه باشید! قطعاً اینان خود سبک
مغزند، ولی [از شدت کوردلی به این حقیقت] آگاه نیستند. (۱۳)

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ
 قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ ﴿١٤﴾

و هنگامی که با اهل ایمان دیدار کنند، گویند: ما ایمان آوردیم و چون با شیطان‌هایشان [که سرانِ شرک و کفرند] خلوت گزینند، گویند: بدون شک ما با شما ایم، جز این نیست که ما [با تظاهر به ایمان] آنان را مسخره می‌کنیم. (۱۴)

اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١٥﴾

خدا آنان را [به کيفر اين کار منافقانه در دنيا و آخرت] عذاب خواهد کرد، و آنان را در سرکشی و تجاوزشان مهلت می دهد [تا در گمراهی شان] سرگردان و حيران بمانند. (۱۵)

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَتِ
تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿١٦﴾

آنان کسانی هستند که گمراهی را به جای هدایت خریدند، پس
تجارتشان سود نکرد و از راه یافتگان [به سوی حق] نبودند. (۱۶)

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ
 ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا
 يُبْصِرُونَ ﴿١٧﴾

سرگذشت آنان مانند کسانی است که [در شب بسیار تاریک بیابان] آتشی افروختند [تا در پرتو آن خود را از خطر نجات دهند]، چون آتش پیرامونشان را روشن ساخت، خدا [به وسیله توفانی سهمگین] نورشان را خاموش کرد و آنان را در تاریکی‌هایی که مطلقاً نمی‌دیدند وا گذاشت. (۱۷)

صُمُّ بِكُمْ عُمِّي فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿١٨﴾

کر و لال و کورند، به این سبب آنان [از گمراهی و ضلالت

به سوی هدایت و حقیقت] باز نمی گردند. (۱۸)

أَوْ كَصَيِّبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ
 أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ ۗ وَاللَّهُ
 مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿١٩﴾

یا [سرگذشت آنان] سرگذشت [دچار شدگان به] رگباری شدید از آسمان است که در آن تاریکی‌ها و رعد و برقی است، [آنان] انگشتانشان را از [صدای هولناک] صاعقه‌ها به خاطر بیم مرگ در گوش‌هایشان می‌گذارند [در حالی که راه گریزی از مرگ برای آنان نیست] و خدا به کافران احاطه [همه جانبه] دارد. (۱۹)

يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ ۖ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ
 وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا ۗ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ
 وَأَبْصَارِهِمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٠﴾

نزدیک است که آن برق [بسیار رخشنده، روشنی] چشم‌های آنان را برباید؛ زمانی که آنان را روشنی دهد، در آن روشنی راه می‌روند و چون محیط را بر آنان تاریک کند، می‌ایستند و اگر خدا می‌خواست [شنوایی] گوش و [بینایی] چشم آنان را نابود می‌کرد؛ زیرا خدا بر هر کاری تواناست. (۲۰)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ
لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٢١﴾

ای مردم! پروردگارتان را که شما و پیشینیان شما را آفریده
است، پرستید تا [با پرستیدن او] پروا پیشه شوید. (۲۱)

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ
السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ ۗ فَلَا
تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۲۲﴾

آن پروردگاری که زمین را برای شما بستری گسترده و آسمان را سقفی برافراشته قرار داد و از آسمان، آبی [مانند برف و باران] نازل کرد و به وسیله آن از میوه‌های گوناگون، رزق و روزی برای شما بیرون آورد؛ پس برای خدا شریکان و همتیانی قرار ندهید در حالی که می‌دانید [برای خدا در آفریدن و روزی دادن، شریک و همتایی وجود ندارد]. (۲۲)

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ
 مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ
 صَادِقِينَ ﴿۲۳﴾

و اگر در آنچه ما بر بنده خود [محمد (صلی الله علیه وآله)] نازل کرده ایم، شک دارید [که وحی الهی است یا ساخته بشر] پس سوره ای مانند آن رابیاورید، و [برای این کار] غیر از خدا، شاهدان و گواهان خود را [از فصحا و بلغای بزرگ عرب به یاری] فرا خوانید، اگر [در گفتار خود که این قرآن ساخته بشر است نه وحی الهی] راستگویید. (۲۳)

فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ
وَالْحِجَارَةُ ۖ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ﴿۲۴﴾

و اگر این کار را انجام ندادید که هرگز نمی توانید انجام دهید
بنابراین از آتشی که هیزمش مردم و سنگ هایند، پرهیزید؛ آتشی
که برای کافران آماده شده است. (۲۴)

وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي
 مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۖ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا ۖ قَالُوا
 هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ ۖ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا ۖ وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ

مُطَهَّرَةٌ ۖ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۲۵﴾

و کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته [چون عبادت حق و خدمت به خلق] انجام داده اند، مژده ده که بهشت‌هایی ویژه آنان است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است؛ هرگاه از آن بهشت‌ها میوه ای آماده به آنان دهند، گویند: این همان است که از پیش روزی ما نمودند، و از میوه‌های گوناگون که [در طعم و گوارایی و زیبایی] شبیه هم است، نزد آنان آورند؛ در آنجا برای ایشان همسرانی پاکیزه [از هر آلودگی] است؛ و در آن بهشت‌ها جاودانه اند. (۲۵)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا
فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ
كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا
وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ ﴿٢٦﴾

بی تردید خدا [برای فهماندن مطلبی به مردم] از اینکه به پشه و فراتر از آن [در کوچکی] مثل بزند، شرم نمی‌کند؛ اما اهل ایمان آگاهند که آن مثل از سوی پروردگارشان درست و حق است و اما کافران می‌گویند: خدا از این مثل چه اراده کرده است؟! خدا بسیاری را به آن مثل [به خاطر عدم دقت و مطالعه] گمراه می‌کند، و بسیاری را به آن مثل [به سبب درک صحیح] هدایت می‌نماید؛ و جز فاسقان را به آن گمراه نمی‌کند. (۲۶)

الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا
 أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ
 الْخَاسِرُونَ ﴿٢٧﴾

آنان کسانی هستند که پیمان خدا را [که توحید و وحی و نبوت است] پس از استواری اش [با دلایل عقلی و علمی و براهین منطقی با عدم وفای به آن] می شکنند و آنچه را خدا پیوند خوردن به آن را فرمان داده است [مانند پیوند با پیامبران و کتابهای آسمانی و اهل بیت طاهرین و خویشان] قطع می نمایند و در زمین تباهی و فساد بر پا می کنند، آنانند که زیانکارند. (۲۷)

كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أََمْوَانًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ
يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٨﴾

چگونه به خدا کفر می‌ورزید در حالی که [پیش از دمیده شدن روح به کالبدتان ترکیبی
از عناصر] مرده بودید، پس شما را حیات بخشید، سپس شما را می‌میراند، آن گاه
دوباره زنده می‌کند، سپس به سوی او بازگردانده می‌شوید. (۲۸)

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى
 السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ ۗ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ
 عَلِيمٌ ﴿٢٩﴾

اوست که همه آنچه را در زمین است برای شما آفرید، سپس آفرینش آسمان را [که به صورت ماده ای دود مانند بود] اراده کرد و آن را به شکل هفت آسمان [همراه با نظامی استوار] درست و نیکو قرار داد؛ و او [به قوانین و محاسبات] همه چیز داناست. (۲۹)

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ۗ قَالُوا
 أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ
 وَنُقَدِّسُ لَكَ ۗ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٠﴾

و آن زمان را یاد آر که پروردگارت به فرشتگان گفت: به یقین جانشینی در زمین قرار می‌دهم. گفتند: آیا موجودی را در زمین قرار می‌دهی که در آن به فساد و تباهی برخیزد و به ناحق خون ریزی کند و حال آن که ما تو را همواره با ستایشت تسبیح می‌گوییم و تقدیس می‌کنیم. [پروردگار] فرمود: من [از این جانشین و قرار گرفتنش در زمین اسراری] می‌دانم که شما نمی‌دانید. (۳۰)

وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ
 أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۳۱﴾

و خدا همه نامها [ی موجودات] را به آدم آموخت؛ سپس [هویت و حقایق
 ذات موجودات را] به فرشتگان ارائه کرد و گفت: مرا از نامهای ایشان خبر
 دهید، اگر [در ادعای سزاوار بودنشان به جانشینی] راستگوید. (۳۱)

قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ
الْحَكِيمُ ﴿۳۲﴾

گفتند: تو از هر عیب و نقصی منزهی، ما را دانشی جز آنچه
خودت به ما آموخته ای نیست، یقیناً تویی که بسیار دانا و
حکیمی. (۳۲)

قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ ۖ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ
 أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا
 تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿۳۳﴾

[خدا] فرمود: ای آدم! فرشتگان را از نام‌های آنان خبر ده. پس هنگامی که نام‌هایشان را
 به فرشتگان خبر داد [خدا] فرمود: آیا به شما نگفتم که من یقیناً نهانِ آسمان‌ها و زمین
 را می‌دانم، و به آنچه شما آشکار می‌کنید و به آنچه پنهان می‌دارید، دانایم؟ (۳۳)

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى
وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿۳۴﴾

و [یاد کن] هنگامی که به فرشتگان گفتیم: به آدم سجده کنید،
[پس] سجده کردند مگر ابلیس که سر پیچید و تکبر ورزید و از
کافران شد. (۳۴)

وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا
 حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ
 الظَّالِمِينَ ﴿٣٥﴾

و گفتیم: ای آدم! تو و همسرت در این بهشت سکونت گیرید و از هر
 جای آنکه خواستید فراوان و گوارا بخورید، و به این درخت نزدیک
 نشوید که [اگر نزدیک شوید] از ستمکاران خواهید شد. (۳۵)

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ ^ط وَقُلْنَا
 اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ ^ط وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ
 وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿٣٦﴾

پس شیطان، هر دو را از [طریق] آن درخت لغزانی و آنان را از آنچه در آن بودند [چه مقام و مرتبه معنوی، و چه منزلت و جایگاه ظاهری] بیرون کرد. و ما گفتیم: [ای آدم و حوا و ای ابلیس!] در حالی که دشمن یکدیگرید [و تا ابد، بین شما آدمیان و ابلیسیان صلح و صفایی نخواهد بود، از این جایگاه] فرود آید و برای شما در زمین، قرارگاهی [برای زندگی] و تا مدتی معین، وسیله بهره‌وری اندکی خواهد بود. (۳۶)

فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ ۚ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ
الرَّحِيمُ ﴿٣٧﴾

پس آدم کلماتی را [مانند کلمه استغفار و توسل به اهل بیت (علیهم السلام) که مایه توبه و بازگشت بود] از سوی پروردگارش دریافت کرد و [پروردگار] توبه اش را پذیرفت؛ زیرا او بسیار توبه پذیر و مهربان است. (۳۷)

قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا ط فَاِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ
هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۳۸﴾

گفتیم: همگی از آن [مرتبہ و مقام] فرود آید؛ چنانچه از سوی من
هدایتی برای شما آمد، پس کسانی که از هدایتم پیروی کنند نه
ترسی بر آنان است و نه اندوهگین شوند. (۳۸)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٣٩﴾

و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، اهل آتشند و در آن جاودانه‌اند. (۳۹)

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ
وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أَوْفٍ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ ﴿٤٠﴾

ای بنی اسرائیل! نعمت‌های مرا که به شما عطا کردم، یاد کنید و به پیمانم [که سفارش به عبادت و ایمان به همه انبیا به ویژه پیامبر اسلام است] وفا کنید تا من هم به پیمان شما [که توقع ثواب و پاداش در برابر عبادت و ایمان است] وفا کنم، و [نسبت به پیمان شکنی] فقط از من بترسید. (۴۰)

وَأْمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ
 كَافِرٍ بِهِ ^ط وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِنِّي
 فَاتِقُونَ ﴿٤١﴾

و به آنچه [بر پیامبر اسلام] نازل کرده ام که تصدیق کننده [تورات و انجیلی] است که با شماست، ایمان آورید و نخستین کافر به آن نباشید [که نسل به نسل پس از شما به پیروی از شما به آن کافر شوند] و آیاتم را [در تورات که اوصاف محمد و قرآن در آن است، با تغییر دادن و تحریف کردن] به بهایی ناچیز نفروشید، و فقط از من پروا کنید. (۴۱)

وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ
تَعْلَمُونَ ﴿٤٢﴾

و حق را با باطل مخلوط نکنید [تا تشخیص دادنشان بر مردم
جویای حق دشوار نشود]، و حق را [که قرآن و پیامبر است] در
حالی که می دانید [و می شناسید، از مردم] پنهان نکنید. (۴۲)

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ
الرَّاكِعِينَ ﴿٤٣﴾

و نماز را بر پا دارید، و زکات بپردازید، و همراه رکوع کنندگان
رکوع کنید [که نماز خواندن با جماعت محبوب خداست]. (۴۳)

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ
الْكِتَابَ ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٤٤﴾

آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را [در ارتباط با نیکی] فراموش می‌کنید؟ در حالی که کتاب [تورات را که با شدت به نیکی دعوتتان کرده] می‌خوانید. آیا [به وضع زیان بار و خطرناک خود] نمی‌اندیشید؟ (۴۴)

وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ ۚ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى
الْخَاشِعِينَ ﴿٤٥﴾

از صبر و نماز [برای حل مشکلات خود و پاک ماندن از آلودگی‌ها و رسیدن به رحمت حق] کمک بخواهید و بی‌تردید این کار جز بر کسانی که در برابر حق قلبی فروتن دارند دشوار و گران است. (۴۵)

الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّ هُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُم إِلَىٰ
رَاجِعُونَ ﴿٤٦﴾

[دارندگان قلب فروتن] کسانی هستند که یقین دارند دیدار کننده
[قیامت و پاداش] پروردگارشان می باشد و قطعاً به سوی او
باز می گردند. (۴۶)

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي
فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٤٧﴾

ای بنی اسرائیل! نعمت‌های مرا که به شما عطا کردم و اینکه شما
را بر جهانیان [زمان خودتان] برتری دادم، یاد کنید، (۴۷)

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا
 شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤٨﴾

و از روزی پروا کنید که نه کسی از کسی عذابی را دفع می کند، و نه از کسی
 شفاعتی می پذیرند، و نه از کسی [در برابر گناهانش] فدیة و عوضی می گیرند،
 و نه [برای رهایی از آتش دوزخ] یاری می شوند. (۴۸)

وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ
 يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ
 رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿٤٩﴾

و [یادکنید] آن گاه که شما را از [سیطره حکومت ظالمانه] فرعونیان نجات دادیم؛ آنان که همواره شما را به سخت ترین صورت شکنجه می کردند، پسران شما را سر می بریدند و زنان شما را [برای بیگاری و کنیزی] زنده می گذاشتند. و در این سختی ها و مشکلات آزمایشی بزرگ از سوی پروردگارتان بود. (۴۹)

وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ
وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿٥٠﴾

و [یاد کنید] هنگامی که دریا را برای شما شکافتیم، پس شما را نجات دادیم و فرعونیان را در حالی که می‌دیدید، غرق کردیم.

(۵۰)

وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ
بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ ﴿٥١﴾

و [یاد کنید] زمانی که [برای نازل کردن تورات] چهل شب با موسی وعده گذاشتیم، سپس شما بعد از [غایب شدن] او گوساله را معبود خود گرفتید، در حالی که [به سبب این کار بسیار زشت] ستمکار بودید. (۵۱)

ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٥٢﴾

سپس بعد از آن [کار زشت] از [گناه] شما درگذشتیم، تا

سپاس گزاری کنید. (۵۲)

وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿٥٣﴾

و [یاد کنید] هنگامی که به موسی، کتاب و میزان جداکننده

[حق از باطل] عطا کردیم تا هدایت یابید. (۵۳)

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ
 الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ
 بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ ۚ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿٥٤﴾

و [یاد کنید] زمانی که موسی به قومش گفت: ای قوم من! قطعاً شما به سبب معبود گرفتن
 گوساله به خودتان ستم ورزیدید، پس به سوی آفریننده خود بازگردید، و [افرادی از]
 خودتان را [که گوساله را به پرستش گرفتند] بکشید که این [عمل] برای شما در پیشگاه
 آفریدگارتان بهتر است. پس خدا [به دنبال اجرا کردن دستورش] توبه شما را پذیرفت؛ زیرا
 او بسیار توبه پذیر و مهربان است. (۵۴)

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَىٰ اللَّهَ جَهْرَةً
فَأَخَذْتَكُمُ الصَّاعِقَةَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿۵۵﴾

و [یاد کنید] آن گاه که گفتید: ای موسی! هرگز به تو ایمان
نمی آوریم تا خدا را آشکارا [با چشم خود] ببینیم. پس صاعقه
مرگبار شما را گرفت، در حالی که می دیدید. (۵۵)

ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٥٦﴾

سپس شما را پس از مرگتان برانگیختیم تا سپاس گزاری

کنید. (۵۶)

وَضَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّٰ وَالسَّلْوٰى ۖ كُلُوا
 مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ ۖ وَمَا ظَلَمُونَا وَلٰكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ
 يَظْلِمُونَ ﴿٥٧﴾

و [در صحرای سوزان سینا] ابر را بر سر شما سایبان قرار دادیم؛ و بر شما گزانبین و
 بلدرچین نازل کردیم؛ [و گفتیم:] از خوراکی های پاک و پاکیزه ای که روزی شما قرار
 داده ایم بخورید. و آنان [در تجاوز و طغیانشان و ناسپاسی و کفرانشان] بر ما ستم
 نکردند، بلکه همواره بر خود ستم می ورزیدند. (۵۷)

وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا
 وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةً نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ^ج
 وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٨﴾

و [یاد کنید] هنگامی را که گفتیم: به این شهر [بیت المقدس] وارد شوید، و از نعمت‌های آن هر چه خواستید، فراوان و گوارا بخورید و از دروازه [شهر یا در معبد] فروتنانه و سجده کنان درآید و بگویید: [خدایا! خواسته ما] ریزش گناهان ماست، تا گناهانتان را بیامرزیم و به زودی [پاداش] نیکوکاران را بیفزایم. (۵۸)

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى
الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿۵۹﴾

ولی ستمکاران، سخنی را که [بیرون دروازه شهر] به آنان گفته شده بود [پس از ورود به شهر] به سخنی دیگر تبدیل کردند [به جای درخواست ریزش گناهان، درخواست امور مادی کردند]. ما هم بر ستمکاران به سبب آنکه همواره نافرمانی می کردند، عذابی از آسمان فرود آوردیم. (۵۹)

وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ^ط

فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا^ط قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرِبَهُمْ^ط

كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ

مُفْسِدِينَ ﴿٦٠﴾

و [یاد کنید] آن گاه که موسی برای قومش درخواست آب کرد، پس گفتیم: عصایت را به این سنگ بزن. پس دوازده چشمه از آن جوشید به طوری که هر گروهی [از دوازده گروه بنی اسرائیل] چشمه ویژه خود را شناخت. [و گفتیم:] از روزی خدا بخورید و بیاشامید و تبهکارانه در زمین فتنه و آشوب بر پا نکنید. (۶۰)

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا
 مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا ۗ قَالَ
 أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ ۚ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَا
 سَأَلْتُمْ ۗ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ
 كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۗ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْا
 وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٦١﴾

و [یاد کنید] هنگامی که گفتید: ای موسی! ما هرگز بر یک نوع غذا صبر نمی‌کنیم، پس از پروردگارت بخواه تا از آنچه زمین می‌رویاند از سبزی و خیار و سیر و عدس و پیازش را برای ما آماده کند. [موسی] گفت: آیا شما به جای غذای بهتر، غذای پست تر را می‌خواهید؟! [اکنون که چنین درخواست ناروایی دارید] به شهری فرود آید که آنچه خواستید، برای شما آماده است. و [داغ] خواری و بیچارگی و نیاز بر آنان زده شد و سزاوار خشم خدا شدند؛ این [خواری و خشم] به سبب آن بود که آنان همواره به آیات خدا کفر می‌ورزیدند و پیامبران را به ناحق می‌کشتند؛ این [کفرورزی و کشتن پیامبران] به علت آن بود که [از فرمان من] سرپیچی نمودند و پیوسته [از حدود حق] تجاوز می‌کردند. (۶۱)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ
 آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ
 رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾

مسلمانان کسانی که [به ظاهر] ایمان آوردند، و یهودی‌ها و نصرانی‌ها و صابئی‌ها هر
 کدامشان [از روی حقیقت] به خدا و روز قیامت ایمان آورند و کار شایسته انجام
 دهند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته و مناسب است، و نه بیمی بر آنان
 است و نه اندوهگین شوند. (۶۲)

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ
بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾

و [یاد کنید] هنگامی که از شما [بر پیروی از حق] پیمان گرفتیم، و کوه طور را بالای سرتان برافراشتیم، [و گفتیم:] آنچه را [از آیات کتاب آسمانی] به شما داده ایم، با قدرت و قوت دریافت کنید، و آنچه را در آن است [برای اجرا کردن] به یاد داشته باشید تا پرهیزکار شوید. (۶۳)

ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ ^ط فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ
لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٦٤﴾

آن گاه بعد از [پیمان گرفتن، از وفاکردن به آن] سرپیچی کردید، و اگر
فضل و رحمت خدا بر شما نبود، قطعاً از زیانکاران بودید. (۶۴)

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ
كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿٦٥﴾

بی تردید شما [سرگذشت کسانی از هم مسلکان خود را] که در روز شنبه [از فرمان
خدا که صید ماهی را حرام کرده بود] عصیان ورزیدند دانستید که [به کیفر عصیانشان]
به آنان نهیب زدیم که به صورت بوزینگانی خوار و رانده شده درآیید. (۶۵)

فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً
لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٦٦﴾

در نتیجه، آن [مجازات] را عبرتی برای کسانی که شاهدِ حادثه بودند، و کسانی که بعد از آنان می آیند، و پندی برای پرواپیشگان قرار دادیم. (۶۶)

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقْرَةً ۖ
 قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُؤًا ۗ قَالُوا لَعَنَّا ۗ قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ
 الْجَاهِلِينَ ﴿٦٧﴾

و [یاد کنید] زمانی که موسی به قومش گفت: خدا به شما فرمان
 می دهد گاوی را ذبح کنید، گفتند: آیا ما را مسخره می کنی؟!
 گفت: به خدا پناه می برم از اینکه از نادانان باشم. (۶۷)

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ ۚ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا
 بَقْرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا بَكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ ۖ فَافْعَلُوا مَا
 تُؤْمَرُونَ ﴿٦٨﴾

گفتند: از پروردگارت بخواه برای ما بیان کند که آن گاو چگونه گاوی باشد؟ گفت: او می‌فرماید که آن گاوی است نه پیر از کارمانده، نه جوان نارسیده، [بلکه] گاوی میان این دو نوع گاو است. پس آنچه را به آن فرمان داده‌اند، انجام دهید. (۶۸)

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لُونُهَا ۚ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا
بَقْرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقْعُ لُونُهَا تَسْرُ النَّاطِرِينَ ﴿٦٩﴾

گفتند: از پروردگارت بخواه که برای ما توضیح دهد رنگش
چگونه باشد؟ گفت: خدا می گوید: گاوی است زرد و رنگش
روشن که بینندگان را شاد و مسرور می کند. (۶۹)

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا
وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ ﴿۷۰﴾

گفتند: از پروردگارت بخواه برای ما بیان کند که [نهایتاً آن گاو]
چه گاوی است؟ زیرا این گاو بر ما مبهم و مُشْتَبِه شده، و اگر خدا
بخواهد [به شناخت آن] هدایت خواهیم شد. (۷۰)

قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي
 الْحَرْتَ مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا ۗ قَالُوا الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ ۗ
 فَذَبْحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ ﴿٧١﴾

گفت: او می گوید: گاوی است که نه رام است تا زمین را شخم زند و نه زراعت را
 آبیاری نماید، [از هر عیب و نقصی] سالم است، و رنگی مخالف رنگ اصلی در آن
 نیست، گفتند: اکنون حق را برای ما آوردی. پس آن را ذبح کردند، در حالی که نزدیک
 بود فرمان خدا را اجرا نکنند!! (۷۱)

وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَ أُنْفُسًا فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَا كُنْتُمْ
تَكْتُمُونَ ﴿٧٢﴾

و [یاد کنید] هنگامی که کسی را کشتید و درباره [قاتل] او به نزاع
و ستیز برخاستید؛ و خدا آشکار کننده چیزی است که پنهان
می داشتید. (۷۲)

فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا ۚ كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَىٰ وَيُرِيكُمْ
آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٧٣﴾

پس گفتیم: پاره ای از آن [گاو ذبح شده] را به مقتول بزنید [تا زنده شود و قاتل را معرفی کند]. خدا مردگان را این گونه زنده می کند و نشانه های [قدرت و ربوبیت] خود را به شما نشان می دهد، تا بیندیشید. (۷۳)

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً ۚ
 وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ ۚ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَّقُّ
 فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ ۚ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ ۗ وَمَا اللَّهُ

بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٧٤﴾

سپس دل‌های شما بعد از آن [معجزه شگفت‌انگیز] سخت شد، مانند سنگ یا سخت‌تر؛ زیرا پاره‌ای از سنگ‌هاست که از آنها نهرها می‌جوشد، و پاره‌ای از آنها می‌شکافت و آب از آن بیرون می‌آید، و پاره‌ای از آنها از ترس خدا [از بلندی] سقوط می‌کند؛ و خدا از آنچه انجام می‌دهید بی‌خبر نیست. (۷۴)

أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ
 كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ
 يَعْلَمُونَ ﴿۷۵﴾

آیا [شما مردم مؤمن] امید دارید که [آن سخت دلان] به [دین] شما ایمان بیاورند؟! در حالی که گروهی از آنان کلام خدا را همواره می شنیدند، سپس بعد از آنکه [معنا و مفهومش را] درک می کردند، [به سبب دنیاطلبی و امور مادی] به دلخواه خود تغییرش می دادند، در صورتی که می دانستند [به کلام خدا و به مردم جوئیای حق خیانت می کنند]. (۷۵)

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بِبَعْضِهِمْ إِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٧٦﴾

و هنگامی که با مؤمنان دیدار کنند، می گویند: ما ایمان آوردیم. و چون با هم خلوت می کنند [از روی اعتراض و ایراد] به یکدیگر می گویند: چرا حقایق را که خدا [در تورات درباره پیامبر اسلام] برای شما بیان کرده به مؤمنان می گوید تا [روز قیامت با این حقایق] در پیشگاه پروردگارتان بر ضد شما استدلال کنند؟ آیا تعقل نمی کنید [که نباید زمینه استدلال بر ضد خود را در اختیار مؤمنان گذارید؟! (۷۶)]

أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿۷۷﴾

آیا [آن سخت دلان] نمی دانند که خدا آنچه را پنهان

می دارند و آنچه را آشکار می کند، می داند؟! (۷۷)

وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا
يَظُنُّونَ ﴿٧٨﴾

و گروهی از یهود، که جاهل و بی سوادند [غیر از تورات فعلی] که جز بافته‌های
دروغین [عالمان خائن آنان نیست] نمی دانند، و حال آن که [در امر دین به سبب عدم
تحقیق و دنبال نکردن علم و دانش] فقط در مسیر گمان و خیال واهی قدم برمی دارند.

(۷۸)

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ
عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۖ فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ
أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ ﴿٧٩﴾

پس وای بر کسانی که با دست‌هایشان نوشته‌ای را می‌نویسند، سپس
می‌گویند: این [نوشته] از سوی خداست. تا با این [کار زشت و خائنانه]
بهای ناچیز به دست آورند؛ پس وای بر آنان از آنچه دست‌هایشان نوشت، و
وای بر آنان از آنچه به دست می‌آورند. (۷۹)

وَقَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ
 اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُمْ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا
 تَعْلَمُونَ ﴿٨٠﴾

و گفتند: آتش [دوزخ] جز چند روزی به ما نمی رسد. بگو: آیا [بر این عقیده
 خود] از نزد خدا پیمانی گرفته اید؟ که هرگز خدا از آن پیمان تخلف نخواهد
 کرد، یا جاهلانه چیزی را به خدا نسبت می دهید؟ (۸۰)

بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ
أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٨١﴾

[نه چنین است که می گویند] بلکه کسانی که مرتکب گناه شدند
و آثار گناه، سراسر وجودشان را فرا گرفت، آنان اهل آتشند و در آن
جاودانه اند. (۸۱)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ ۖ
هُم فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٨٢﴾

و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند،

اهل بهشت اند و در آن جاودانه اند. (۸۲)

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ
 إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا
 وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ

مُعْرَضُونَ ﴿۸۳﴾

و [یاد کنید] زمانی که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید، و به پدر و
 مادر و خویشان و یتیمان و مستمندان نیکی کنید، و با مردم با خوش زبانی سخن گوید،
 و نماز را بر پا دارید، و زکات پردازید، سپس همه شما جز اندکی [از پیمان خدا] روی
 گردانیدید؛ و شما [به طور عادت] روی گردان هستید. (۸۳)

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ
 أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ﴿٨٤﴾

و [یاد کنید] هنگامی که از شما پیمان گرفتیم که خون همدیگر را
 نریزید، و یکدیگر را از خانه‌های خود آواره نکنید، سپس [به
 پیمانتان] اقرار کردید و بر آن هم گواهی می‌دهید. (۸۴)

ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَارَى تُقَادُوا هُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ ۗ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۗ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٨٥﴾

باز این شما هستید که یکدیگر را می‌کشید، و گروهی از خودتان را از خانه‌هایشان آواره می‌کنید، و از روی گناه و تجاوز یکدیگر را بر ضد آنان [که آواره کرده اید] یاری و کمک می‌دهید، و اگر آنان در حال اسارت نزد شما آیند، برای آزاد شدنشان فدیة می‌دهید، در صورتی که آواره کردنشان بر شما حرام بود. آیا به بخشی از کتاب [آسمانی] ایمان می‌آورید و به بخشی دیگر کفر می‌ورزید؟ [حرام بودن جنگ و آواره کردن را مردود می‌شمارید، و وجوب آزاد کردن هم کیشان را از اسارت قبول می‌کنید!] پس کیفر کسانی از شما که چنین تبعیضی را [در آیات خدا] روا می‌دارند، جز خواری و رسوایی در زندگی دنیا نیست، و روز قیامت به سوی سخت‌ترین عذاب بازگردانیده می‌شوند، و خدا از آنچه انجام می‌دهید، بی‌خبر نیست. (۸۵)

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ ۖ فَلَا يُخَفُّ
عَنَّهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٨٦﴾

اینان کسانی اند که زندگی [زودگذر] دنیا را به جای آخرت
خریدند؛ پس نه عذاب از آنان سبک شود و نه یاری شوند. (۸۶)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ ۖ وَآتَيْنَا
 عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ ۗ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ
 رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا

تَقْتُلُونَ ﴿٨٧﴾

و یقیناً ما به موسی کتاب دادیم و پس از او پیامبرانی به دنبال هم فرستادیم، و
 به عیسی بن مریم دلایل روشن و آشکار عطا نمودیم، و او را به وسیله روح
 القدس توانایی بخشیدیم؛ پس چرا هرگاه پیامبری آیین و احکامی که مطابق
 هوا و هوستان نبود برای شما آورد، سرکشی کردید؟ پس [نبوت] گروهی را
 تکذیب نمودید و گروهی را می کشتید. (۸۷)

وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ ۚ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا
يُؤْمِنُونَ ﴿۸۸﴾

و گفتند: دل‌های ما در غلاف و پوشش است [به این علت کلام تو را نمی‌فهمیم، ولی چنین نیست که می‌گویند] بلکه خدا به سبب کفرشان آنان را از رحمتش دور کرده [در نتیجه از پذیرفتن اسلام خودداری می‌کنند] پس اندکی ایمان می‌آورند. (۸۸)

وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا
 مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا
 عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٨٩﴾

و هنگامی که برای آنان از سوی خدا کتابی [چون قرآن] آمد که تصدیق کننده توراتی است که با آنان است، و همواره پیش از نزولش به خودشان [در سایه ایمان به آن] مژده پیروزی بر کافران می دادند، پس [با این وصف] زمانی که قرآن [که پیش از نزولش آن را با پیشگویی تورات می شناختند] نزد آنان آمد، به آن کافر شدند؛ پس لعنت خدا بر کافران باد. (۸۹)

بِسْمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا أَنْ
يُنزِّلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ط فَبَاءُوا
بِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ ۚ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ ﴿٩٠﴾

بد چیزی است آنچه خود را به آن فروختند که کفر ورزیدن از روی حسادت به کتابی
است که خدا نازل کرده [معترضانه می گویند:] چرا خدا از فضل و احسانش به هر که
از بندگانش بخواهد [کتاب آسمانی] نازل می کند، پس آنان به خشمی بر روی خشمی
سزاوار شدند. و برای کافران عذابی خوار کننده است. (۹۰)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ
 عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَهُمْ^{قُل}
 قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٩١﴾

هنگامی که به آنان گویند: به آنچه که خدا [بر پیامبر اسلام] نازل کرده ایمان آورید، گویند: به توراتی که بر خود ما یهودیان نازل شده ایمان می آوریم و به غیر آن در حالی که حق است و تصدیق کننده توراتی است که با آنان است، کفر می ورزند. بگو: اگر شما [از روی درستی و راستی به تورات] مؤمن بودید، پس چرا پیش از این پیامبران خدا را می کشتید؟ (۹۱)

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِن بَعْدِهِ
وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ ﴿٩٢﴾

و قطعاً موسی برای شما معجزات و دلایلی روشن آورد، سپس شما
پس از [رفتن] او [به کوه طور] گوساله را معبود خود گرفتید، در حالی
که [به خود و دلایل آشکار و روشن حق] ستمکار بودید. (۹۲)

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ
 وَاسْمَعُوا ۗ قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ
 بِكُفْرِهِمْ ۗ قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيمَانُكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٩٣﴾

و [یاد کنید] زمانی که از شما [برای پیروی از موسی] پیمان گرفتیم، و کوه طور را بالای سرتان برافراشتیم [و گفتیم: آنچه را [چون تورات] به شما دادیم با قدرت و قوت دریافت کنید [و دستورهای ما و پیامبران را بشنوید، به ظاهر] گفتند: شنیدیم و [در باطن گفتند: نافرمانی کردیم. و به سبب کفرشان دوستی گوساله با دل‌هایشان در آمیخت. بگو: اگر شما مؤمن هستید [و ایمانتان شما را به این همه ظلم و جنایت و فساد فرمان می‌دهد] پس بد چیزی است آنچه ایمانتان به آن فرمان می‌دهد. (۹۳)

قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ
النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٩٤﴾

بگو: اگر [آن گونه که می‌پندارید] سرای آخرت [با همه
نعمت‌هایش] نزد خدا ویژه شماست نه مردم دیگر، پس چنانچه
راستگویید مرگ را آرزو کنید. (۹۴)

وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
بِالظَّالِمِينَ ﴿٩٥﴾

و آنان هرگز مرگ را به سبب گناهانی که مرتکب شده اند،
آرزو نمی کنند؛ و خدا به ستمکاران داناست. (۹۵)

وَلْتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا
يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَحِّزِهِ مِنَ
الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ ۗ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾

و یقیناً آنان را حریص ترین مردم به زندگی [دراز مدت] خواهی یافت و [حتی
حریص تر] از مشرکان. هر یک از آنان آرزومند است که ای کاش هزار سال
عمرش دهند، ولی آن عمر طولانی دور کننده او از عذاب نیست؛ و خدا به
آنچه انجام می دهند، بیناست. (۹۶)

قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ
 مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٩٧﴾

[آنان می گویند: چون جبرئیل، وحی را برای تو می آورد ما با او دشمنیم؛ بنابراین به تو ایمان نمی آوریم] بگو: هر که دشمن جبرئیل است [دشمن خداست] زیرا او قرآن را به فرمان خدا بر قلب تو نازل کرده است، در حالی که تصدیق کننده کتاب های پیش از خود و هدایت و بشارت برای مؤمنان است. (۹۷)

مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ
اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ ﴿٩٨﴾

هر که با خدا و فرشتگان و رسولانش و جبرئیل و میکائیل دشمن
باشد [کافر است]، و بی تردید خدا دشمن کافران است. (۹۸)

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ ۖ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا
الْفَاسِقُونَ ﴿٩٩﴾

و یقیناً به سوی تو آیاتی روشن نازل کردیم، و به آنها جز
فاسقان کافر نمی شوند. (۹۹)

أَوْ كَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا
يُؤْمِنُونَ ﴿۱۰۰﴾

آیا چنین نیست که هرگاه یهود پیمانی [با خدا و رسولانش] بستند،
گروهی از آنان، آن را شکستند؟ [آنان نه فقط عهد شکنند] بلکه
بیشترشان ایمان نمی آورند. (۱۰۰)

وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ
 فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ
 كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۱۰۱﴾

و زمانی که فرستاده ای از سوی خدا به سویشان آمد که تصدیق کننده کتابی است که با
 آنان است، گروهی از آنان که [دانش] کتاب به آنان داده شده بود [با کمال گستاخی]
 کتاب خدا را پشت سر انداختند [و با آن به مخالفت برخاستند]، گویی نمی دانند [که
 کلام خداست]. (۱۰۱)

وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سُلَيْمَانَ ۖ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَٰكِنَّ الشَّيَاطِينَ
كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ ۚ
وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ ۖ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا
يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ ۚ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۚ
وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ ۚ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ
خَلَاقٍ ۚ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنفُسَهُمْ ۚ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿۱۰۲﴾

و [یهودیان] از آنچه شیاطین در زمان پادشاهی سلیمان [از علم سحر بر مردم می خواندند] پیروی کردند. و [سلیمان دست به سحر نیالود تا کافر شود، بنابراین] سلیمان کافر نشد، ولی شیاطین که به مردم سحر می آموختند، کافر شدند. و [نیز یهودیان] از آنچه بر دو فرشته هاروت و ماروت در شهر بابل نازل شد [پیروی کردند]، و حال آنکه آن دو فرشته به هیچ کس نمی آموختند مگر آنکه می گفتند: ما فقط مایه آزمایشیم [و علم سحر را برای مبارزه با ساحران و باطل کردن سحرشان به تو تعلیم می دهیم]، پس [با به کار گرفتن آن در مواردی که ممنوع و حرام است] کافر مشو. اما آنان از آن دو فرشته مطالبی [از سحر] می آموختند که با آن میان مرد و همسرش جدایی می انداختند؛ در حالی که آنان به وسیله آن سحر جز به اذن خدا قدرت آسیب رساندن به کسی را نداشتند؛ و همواره چیزی را می آموختند که به آنان آسیب می رسانید و سودی نمی بخشید؛ و یقیناً [یهود] می دانستند که هر کس خریدار سحر باشد، در آخرت هیچ بهره ای ندارد. و همانا بد چیزی است آنچه خود را به آن فروختند اگر معرفت می داشتند. (۱۰۲)

وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ مِّمَّا كَانُوا
يَعْلَمُونَ ﴿۱۰۳﴾

و اگر آنان [از روی حقیقت] ایمان می آوردند و [از سحر و جادو]
پرهیز می کردند، قطعاً پاداشی که از جانب خداست [برای آنان]
بہتر بود، اگر می دانستند. (۱۰۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا
 وَاسْمَعُوا^ق وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٠٤﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید! [هنگام سخن گفتن با پیامبر] مگویید: راعنا [یعنی: در
 ارائه احکام، امیال و هوس های ما را رعایت کن] و بگویید: انظرنا [یعنی: مصلحت دنیا
 و آخرت ما را ملاحظه کن] و [فرمان های خدا و پیامبرش را] بشنوید. و برای کافران
 عذابی دردناک است. (۱۰۴)

مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ
يُنزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ^ق وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ
مَنْ يَشَاءُ^ج وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿١٠٥﴾

نه کافران از اهل کتاب و نه مشرکان، دوست ندارند که هیچ خیری از سوی پروردگارتان بر شما نازل شود، در حالی که خدا هر که را بخواهد به رحمت خود اختصاص می دهد؛ و خدا دارای فضل بزرگی است. (۱۰۵)

مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا قُلْ أَلَمْ
تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٠٦﴾

هر آیه ای را که [محتوی حکم یا احکامی است وقتی بر پایه مصلحت یا
اقتضای زمان] از میان برداریم یا به تأخیر اندازیم، بهتر از آن یا مانندش را
می‌آوریم. آیا ندانسته ای که خدا بر هر کاری تواناست؟! (۱۰۶)

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَمَا لَكُمْ
مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١٠٧﴾

آیا ندانسته ای که فرمانروایی و حکومت آسمانها و زمین فقط در سیطره
اوست و شما را جز خدا هیچ سرپرست و یآوری نیست؟ (۱۰۷)

أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ ۗ
 وَمَنْ يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءً
 السَّبِيلِ ﴿١٠٨﴾

بلکه می خواهید از پیامبرتان [کارهای نامعقول و بیهوده] درخواست کنید، همان گونه که پیش از این از موسی درخواست شد؟ و کسی که کفر را به جای ایمان اختیار کند، تحقیقاً راه راست را گم کرده است. (۱۰۸)

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا
 حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ ۖ فَاعْفُوا
 وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

قَدِيرٌ ﴿١٠٩﴾

بسیاری از اهل کتاب پس از آنکه حق برای آنان روشن شد به سبب حسدی که از وجودشان شعله کشیده، دوست دارند که شما را پس از ایمانتان به کفر بازگردانند. هم اکنون [از ستیز و جدال با آنان] درگذرید، و [از آنان] روی بگردانید، تا خدا فرمانش را [به جنگ یا جزیه] اعلام کند؛ یقیناً خدا بر هر کاری تواناست. (۱۰۹)

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ ^{قَلِيلًا} إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۱۱۰﴾

و نماز را برپا دارید، و زکات پردازید، و آنچه از کار نیک برای خود پیش فرستید آن را نزد خدا خواهید یافت. مسلماً خدا به آنچه انجام می‌دهید، بیناست. (۱۱۰)

وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ
تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ

صَادِقِينَ ﴿۱۱۱﴾

و گفتند: هرگز کسی وارد بهشت نمی شود مگر آنکه یهودی یا نصرانی باشد، این دروغ ها و اباطیل آنان است؛ بگو: اگر راستگوید دلیل و برهان خود را بیاورید. (۱۱۱)

بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ
وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۱۱۲﴾

آری، کسانی که همه وجود خود را تسلیم خدا کنند در حالی که
نیکوکارند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته و مناسب
است، نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند. (۱۱۲)

وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَىٰ
لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ ۗ كَذٰلِكَ قَالَ الَّذِيْنَ
لَا يَعْلَمُوْنَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ ۗ فَاَللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِىْمَا كَانُوْا

فِيهِ يَخْتَلِفُوْنَ ﴿۱۱۳﴾

و یهودیان گفتند: نصرانی‌ها بر آیین و روش درستی نیستند و نصرانی‌ها گفتند: یهودیان بر آیین و روش درستی نیستند، در حالی که همه آنان کتاب [آسمانی] را می‌خوانند [که هر دو آیین در زمان مخصوص به خود درست و بر حق بوده] کسانی که نادانند [هم چون مشرکان] سخنی مانند سخن آنان [درباره آیین مسلمانان] گفتند؛ پس خدا روز قیامت در میان آنان درباره آنچه با هم اختلاف می‌کردند، داوری می‌کند. (۱۱۳)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ
 فِي خَرَابِهَا ۗ أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ ۗ لَهُمْ
 فِي الدُّنْيَا حِزْبٌ خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١١٤﴾

و چه کسانی ستمکارتر از کسانی می باشند که از بردن نام خدا در مساجد خدا
 جلوگیری کردند، و در خرابی آنها کوشیدند؟ آنان را شایسته نیست که در آن [مراکز
 عبادت] درآیند، جز در حال ترس [از عدالت و انتقام خدا]. برای آنان در دنیا خواری و
 زبونی است و در آخرت عذابی بزرگ است. (۱۱۴)

وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ ۚ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ ۚ إِنَّ
اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿۱۱۵﴾

مالکیت مشرق و مغرب فقط ویژه خداست؛ پس به هر کجا رو کنید
آنجا روی خداست. یقیناً خدا بسیار عطا کننده و داناست. (۱۱۵)

وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا ۚ سُبْحَانَهُ ۗ بَلْ لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ ۗ كُلٌّ لَّهُ قَانِتُونَ ﴿۱۱۶﴾

و [یهود و نصاری] گفتند: خدا [برای خود] فرزندی گرفته، منزّه است او [از اوصاف دروغ و باطلی که به حضرتش نسبت می‌دهند]، بلکه آنچه در آسمان‌ها و زمین است مخلوق و مملوک اویند [نه فرزند او؛ زیرا فرزند، هم جنس پدر و مادر است و چیزی در جهان هم جنس خدا نیست تا فرزند خدا باشد] و همه در برابر او مطیع و فرمانبردارند. (۱۱۶)

بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ
لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿۱۱۷﴾

[بی سابقه ماده، مدت و نقشه] پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین
است. و هنگامی که فرمان به وجود آمدن چیزی را صادر کند فقط
به آن می‌گوید: «باش». پس بی‌درنگ می‌باشد. (۱۱۷)

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ ۚ
كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ ۚ
قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿١١٨﴾

و کسانی که نادان و ناآگاهند، گفتند: چرا خدا با ما سخن نمی گوید یا نشانه و معجزه ای برای ما نمی آید؟ گذشتگان آنان نیز مانند گفته ایشان را گفتند؛ دل هایشان [در تعصب، لجاجت، عناد و نادانی] شبیه هم است. تحقیقاً ما [به اندازه لازم] نشانه ها را برای اهل باور بیان کرده ایم. (۱۱۸)

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا ۖ وَلَا تُسْأَلُ عَنْ
أَصْحَابِ الْجَحِيمِ ﴿۱۱۹﴾

قطعاً ما تو را به درستی و راستی، بشارت دهنده و بیم رسان
فرستادیم، و تو [بعد از ابلاغ پیام حق] مسؤول [ایمان نیاوردن و
وضع و حال] دوزخیان نیستی. (۱۱۹)

وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ ۗ قُلْ
 إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ ۗ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي
 جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ ۙ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿۱۲۰﴾

یهود و نصاری هرگز از تو راضی نمی شوند تا آنکه از آیینشان پیروی کنی. بگو: مسلماً هدایت خدا فقط هدایت [واقعی] است. و اگر پس از دانشی که [چون قرآن] برایت آمده از هوا و هوس های آنان پیروی کنی، از سوی خدا هیچ سرپرست و یاورى برای تو نخواهد بود. (۱۲۰)

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ
 بِهِ قُلْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿١٢١﴾

کسانی که کتاب آسمانی به آنان عطا کرده ایم، آن را به طوری که شایسته آن است قرائت می کنند [و آن قرائت نمودن با تدبر و به قصد عمل است] اهل ایمان به آن [کتاب] هستند و کسانی که به آن کفر می ورزند فقط آنان زیانکارند. (۱۲۱)

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي
فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿١٢٢﴾

ای بنی اسرائیل! نعمت‌های مرا که به شما عطا کردم و اینکه شما
را بر جهانیان [زمان خودتان] برتری دادم، یاد کنید. (۱۲۲)

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا
عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿١٢٣﴾

و از روزی پروا کنید که نه کسی از کسی عذابی را دفع می کند، و نه از کسی
[در برابر گناهانش] فدیة و عوضی می گیرند، و نه کسی را شفاعتی سود دهد،
و نه [برای رهایی از آتش دوزخ] یاری می شوند. (۱۲۳)

وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ ۖ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ
 لِلنَّاسِ إِمَامًا ۗ قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي ۖ قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي
 الظَّالِمِينَ ﴿١٢٤﴾

و [یاد کنید] هنگامی که ابراهیم را پروردگارش به اموری [دشوار و سخت] آزمایش کرد، پس او همه را به طور کامل به انجام رسانید، پروردگارش [به خاطر شایستگی و لیاقت او] فرمود: من تو را برای همه مردم پیشوا و امام قرار دادم. ابراهیم گفت: و از دودمانم [نیز پیشوایانی برگزین]. [پروردگار] فرمود: پیمان من [که امامت و پیشوایی است] به ستمکاران نمی‌رسد. (۱۲۴)

وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ
 إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى ۖ وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ
 طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿١٢٥﴾

و [یاد کنید] هنگامی که ما این خانه [کعبه] را برای همه مردم محل گردهمایی و جای امن
 وامن قرار دادیم، و [فرمان دادیم:] از مقام ابراهیم جایگاهی برای نماز انتخاب کنید. و به
 ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم که خانه ام را برای طواف کنندگان و اعتکاف کنندگان و
 رکوع کنندگان و سجده گذاران [از هر آلودگی ظاهری و باطنی] پاکیزه کنید. (۱۲۵)

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ
 الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۖ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ
 فَأُمْتِعْهُ قَلِيلًا ثُمَّ أُنْطِرْهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ ۖ وَبِئْسَ

الْمَصِيرُ ﴿١٢٦﴾

و [یاد کنید] آن گاه که ابراهیم گفت: پروردگارا! این [مکان] را شهری امن قرار ده و اهلش را
 آنان که به خدا و روز قیامت ایمان آورده اند از هر نوع میوه و محصول روزی بخش. خدا
 فرمود: [دعایت را درباره مؤمنان اجابت کردم، ولی] هر که کفر ورزد بهره اندکی به او خواهم
 داد، سپس او را به عذاب آتش می کشانم و آن بد بازگشت گاهی است. (۱۲۶)

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا
تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۱۲۷﴾

و [یاد کنید] زمانی که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه کعبه را
بالا می‌بردند [و به پیشگاه حق می‌گفتند:] پروردگارا! [این عمل
را] از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی، (۱۲۷)

رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ
 وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ
 الرَّحِيمُ ﴿١٢٨﴾

پروردگارا! ما را [با همه وجود] تسلیم خود قرار ده، و نیز از دودمان ما
 امتی که تسلیم تو باشند پدید آر، و راه و رسم عبادت‌مان را به ما نشان
 ده، و توبه ما را بپذیر، که تو بسیار توبه پذیر و مهربانی، (۱۲۸)

رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ
 الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ ۗ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ
 الْحَكِيمُ ﴿۱۲۹﴾

پروردگارا! در میان آنان پیامبری از خودشان برانگیز، که آیات تو را بر آنان
 بخواند، و آنان را کتاب و حکمت بیاموزد، و [از آلودگی‌های ظاهری و
 باطنی] پاکشان کند؛ زیرا تو توانای شکست ناپذیر و حکیمی. (۱۲۹)

وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ
 اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ
 الصَّالِحِينَ ﴿۱۳۰﴾

وکیست که از آیین ابراهیم روی گردان شود، جز کسی که [خود را خوار و بی ارزش کند
 و] خویش را به نادانی و سبک مغزی زند؟ یقیناً ما ابراهیم را در دنیا [به امامت و
 رسالت] برگزیدیم، و قطعاً در آخرت از شایستگان است. (۱۳۰)

إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمُ^ط قَالَ أَسَلَّمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۳۱﴾

[و یاد کنید] هنگامی که پروردگارش به او فرمود: تسلیم

باش. گفت: به پروردگار جهانیان تسلیم شدم. (۱۳۱)

وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ
اصْطَفَىٰ لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۲﴾

و ابراهیم و یعقوب پسرانشان را به آیین اسلام سفارش کردند که
ای پسران من! یقیناً خدا این دین را برای شما برگزیده، پس شما
باید جز در حالی که مسلمان باشید، نمیرید. (۱۳۲)

أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا
تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ
وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۳﴾

آیا شما [یهودیان که ادعا می‌کنید یعقوب پسرانش را به آیین شما سفارش کرد] هنگامی که
یعقوب را مرگ در رسید [کنار بستر او] حاضر بودید؟ [یقیناً حاضر نبودید] آن گاه که به پسران
خود گفت: پس از من چه چیزی را می‌پرستید؟ گفتند: خدای تو و خدای پدرانت ابراهیم و
اسماعیل و اسحاق را که خدای یگانه است می‌پرستیم، و ما تسلیم اویم. (۱۳۳)

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ ط لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ ط وَلَا
 تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۳۴﴾

آنان گروهی بودند که درگذشتند، آنچه [از طاعت و معصیت] به دست آوردند
 مربوط به خود آنان است، و آنچه شما به دست آوردید مربوط به خود
 شماست؛ و شما در برابر آنچه آنان انجام می دادند، مسؤول نیستید. (۱۳۴)

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ
 إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿۱۳۵﴾

و [اهل کتاب به مردم مؤمن] گفتند: یهودی یا نصرانی باشید تا هدایت یابید.
 بگو: بلکه از آیین ابراهیم یکتاپرست و حق گرا [پیروی می کنیم نه از آیین
 تحریف شده شما که عین گمراهی است] و او هرگز از مشرکان نبود. (۱۳۵)

قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ
 وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ
 وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ
 وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۶﴾

[شما مردم مؤمن از روی حقیقت اقرار کنید و] بگوئید: ما به خدا و آنچه به سوی ما نازل شده، و به آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان [دارای مقام نبوت] آنان فرود آمده، و به آنچه به موسی و عیسی و آنچه به پیامبران از ناحیه پروردگارشان داده شده ایمان آوردیم؛ میان هیچ یک از آنان [در اینکه از سوی خدا برای هدایت مردم مبعوث شده اند] فرقی نمی گذاریم، و ما در برابر او تسلیم هستیم. (۱۳۶)

فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا^ط وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا
 هُمْ فِي شِقَاقٍ^ط فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ^ج وَهُوَ السَّمِيعُ
 الْعَلِيمُ ﴿١٣٧﴾

پس اگر آنان هم به آنچه شما به آن ایمان آورده اید، ایمان آورند [که ایمان به قرآن و به پیامبر است] مسلماً هدایت یافته اند، و اگر روی برتابند جز این نیست که در ستیز و دشمنی اند؛ پس به زودی خدا شرّ آنان را [به کشته شدن یا آوارگی از خانه و کاشانه] دفع خواهد کرد؛ و او شنوا و داناست. (۱۳۷)

صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً^ط وَنَحْنُ لَهُ
عَابِدُونَ ﴿۱۳۸﴾

[به یهود و نصاری بگوئید:] رنگ خدا را [که اسلام است،
انتخاب کنید] و چه کسی رنگش نیکوتر از رنگ خداست؟ و ما
فقط پرستش کنندگان اویم. (۱۳۸)

قُلْ أَتُحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ
أَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ ﴿۱۳۹﴾

بگو: آیا با ما در باره خدا گفتگوی بی منطق و احتجاج نادرست می کنید؟! در حالی که او پروردگار ما و شماست [و همه کارهایش بر وفق حکمت و مصلحت است، و جای گفتگوی بی منطق و احتجاج نادرست نیست]؛ و اعمال ما مربوط به خود ما و اعمال شما مربوط به خود شماست، و ما [در ایمان، اعتقاد، طاعت و عبادت] برای او اخلاص می ورزیم. (۱۳۹)

أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ
كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ ۗ قُلْ أَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمْ اللَّهُ ۗ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ
كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٤٠﴾

آیا می گوئید: ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان [دارای مقام نبوت] آنان یهودی یا نصرانی بودند؟! بگو: شما داناترید یا خدا؟ [شما به یقین می دانید که آنان یهودی و نصرانی نبودند، پس چرا واقعیت را پنهان می دارید؟!] وستمکارتر از کسی که شهادتی را که از خدا نزد اوست پنهان کند، کیست؟ و خدا از آنچه انجام می دهید، بی خبر نیست. (۱۴۰)

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ ط لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ ط وَلَا
تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤١﴾

آنان گروهی بودند که درگذشتند؛ آنچه [طاعت و معصیت] به دست آوردند
مربوط به خود آنان است و آنچه شما به دست آوردید مربوط به خود
شماست؛ و شما در برابر آنچه آنان انجام می دادند، مسؤول نیستید. (۱۴۱)